

بررسی نقش خانواده در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی

نازنین حقیقت بیان^{*۱}

۱- دکتری روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن. (استادیار و هیئت علمی دانشگاه طلوع مهر).

چکیده

انگیزش یادگیری یکی از ارکان بنیادین پیشرفت و پایداری تحصیلی دانشجویان دوره کارشناسی است که تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی متعددی شکل می گیرد. در میان نهادهای اثرگذار، خانواده به عنوان نخستین و پایداریترین کانون اجتماعی شدن، نقشی تعیین کننده در جهت دهی به نگرش های آکادمیک فرزندان ایفا می کند؛ با این حال، گذار به محیط دانشگاه اغلب با تغییر در ماهیت روابط والد-فرزند همراه است و چگونگی اثرگذاری حمایت های خانوادگی بر درگیری شناختی دانشجویان نیازمند واکاوی دقیق است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مرور نظام مند شواهد پژوهشی پیرامون نقش و ابعاد حمایت های خانوادگی در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی و تدوین یک الگوی مفهومی منسجم در این زمینه انجام شد. این پژوهش با رویکرد مرور نظام مند و منطبق بر دستورالعمل پریسما (PRISMA) به نگارش درآمد. جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی-پژوهشی فارسی و انگلیسی منتشر شده در پایگاه های معتبر علمی بود که با کلیدواژه های مرتبط با حمایت خانوادگی، ابعاد والدگری، انگیزش تحصیلی و دانشجویان کارشناسی جستجو شدند. در نتیجه، با اعمال معیارهای ورود و خروج و ارزیابی کیفیت روش شناختی، اسناد مرتبط وارد فرایند سنتز کیفی و تحلیل محتوایی شدند. سنتز شواهد نشان داد که حمایت خانوادگی سازه ای چندبعدی شامل مؤلفه های عاطفی، استقلال بخش، اطلاعاتی و ابزاری است که از طریق ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی (ارتباط، خودمختاری و شایستگی) بر انگیزش تحصیلی اثر می گذارد. همچنین مشخص شد متغیرهایی نظیر باورهای خودکارآمدی، مهارت های یادگیری خودراهبر و تاب آوری، نقش واسطه ای کلیدی در تبدیل حمایت های محیطی به کنش های خودتنظیم ایفا می کنند. شواهد بر تمایز بنیادین میان «حمایت استقلال بخش» (بستر ساز انگیزش درونی) و «کنترل روان شناختی» (عامل اضطراب و افت تحصیلی) تأکید داشتند. خانواده ها زمانی اثربخش ترین نقش را در پایداری انگیزش یادگیری ایفا می کنند که از رویکرد کنترل گری به سوی تسهیل گری استقلال و تأمین امنیت روانی حرکت نمایند. دستیابی به انگیزش تحصیلی پایدار در آموزش عالی مستلزم هم افزایی بوم شناختی میان خانواده، اساتید، همسالان و نهاد دانشگاه است.

واژگان کلیدی: حمایت خانوادگی، انگیزش یادگیری، دانشجویان کارشناسی، خودکارآمدی تحصیلی، حمایت استقلال بخش.

۱. مقدمه

دانشگاه یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی و آموزشی در فرایند شکل گیری شخصیت علمی، حرفه ای و اجتماعی افراد به شمار می آید و دوره کارشناسی، برای بسیاری از دانشجویان، نخستین تجربه جدی آنان در مواجهه با محیطی است که در آن میزان قابل توجهی از مسئولیت پذیری، استقلال، تصمیم گیری و خودتنظیمی بر عهده خود فرد قرار می گیرد. دانشجوی کارشناسی در مقایسه با دانش آموز، آزادی بیشتری در انتخاب واحد، تنظیم برنامه مطالعاتی، برقراری روابط اجتماعی و تعیین مسیر آینده خود دارد؛ اما همین آزادی، در صورت فقدان مهارت های خودتنظیمی و حمایت مناسب، می تواند با سردرگمی، کاهش تلاش، اهمال کاری و افت انگیزش همراه شود. انگیزش یادگیری در این دوره صرفاً به معنای علاقه به حضور در کلاس یا کسب نمره نیست، بلکه مجموعه ای از نیروهای درونی و بیرونی است که دانشجو را به آغاز فعالیت یادگیری، استمرار تلاش، غلبه بر دشواری های علمی و پیگیری اهداف آموزشی هدایت می کند. دانشجویی که از انگیزش یادگیری مطلوب برخوردار است، معمولاً در برابر ناکامی های تحصیلی انعطاف پذیری بیشتری نشان می دهد، برای فهم عمیق مطالب تلاش می کند و یادگیری را تنها به حفظ مطالب برای موفقیت در امتحان محدود نمی سازد. در مقابل، کاهش انگیزش ممکن است خود را در قالب غیبت از کلاس، بی تفاوتی نسبت به تکالیف، کاهش مشارکت علمی، وابستگی افراطی به منابع آماده و در نتیجه افت عملکرد تحصیلی نشان دهد. از این منظر، انگیزش یادگیری یکی از متغیرهای اساسی در کیفیت تجربه دانشجویی و موفقیت آموزش عالی محسوب می شود و بررسی عوامل مؤثر بر آن، به ویژه عوامل خانوادگی، اهمیت نظری و کاربردی فراوان دارد. مطالعات انجام شده در زمینه انگیزش دانشجویان نشان می دهد که فرایند یادگیری، علاوه بر ویژگی های فردی و کیفیت آموزش، تحت تأثیر شبکه ای از حمایت های اجتماعی قرار دارد و خانواده یکی از پایداری ترین و اثرگذارترین منابع این حمایت به شمار می رود؛ زیرا حتی پس از ورود فرد به دانشگاه، نگرش ها، انتظارات، شیوه های ارتباطی و منابع عاطفی خانواده همچنان می توانند برداشت دانشجو از توانایی های خود و ارزش فعالیت های تحصیلی را شکل دهند (عینی پور و همکاران، ۱۴۰۰).

خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن با مفاهیمی مانند تلاش، موفقیت، شکست، مسئولیت، رقابت، همکاری و ارزش دانش آشنا می شود. بسیاری از نگرش های دانشجو نسبت به تحصیل، پیش از ورود به دانشگاه و در بستر تعاملات روزمره خانوادگی شکل گرفته اند. شیوه ای که والدین درباره مدرسه، دانشگاه، شغل، مطالعه و آینده صحبت می کنند، نحوه واکنش آنان به موفقیت یا شکست تحصیلی، میزان توجه آنان به نیازهای عاطفی فرزند و نوع انتظاراتی که از او دارند، می تواند زمینه ساز شکل گیری انگیزش درونی یا بیرونی شود. خانواده ای که یادگیری را فرایندی ارزشمند و مرتبط با رشد فردی می داند، معمولاً دانشجو را به پرسشگری، مطالعه مستقل و پیگیری علایق علمی تشویق می کند؛ در حالی که خانواده ای که تحصیل را صرفاً ابزاری برای کسب منزلت اجتماعی، درآمد یا برآورده کردن انتظارات دیگران تلقی می کند، ممکن است ناخواسته انگیزش دانشجو را به نتیجه گرایی و کسب نمره وابسته سازد. البته نقش خانواده در دوره کارشناسی با نقش آن در دوره مدرسه یکسان نیست. در دوره دانشگاه، حمایت مؤثر خانواده الزاماً به معنای نظارت مستقیم بر ساعات مطالعه، بررسی مداوم نمرات یا تصمیم گیری به جای دانشجو نیست؛ بلکه بیشتر به معنای فراهم کردن امنیت عاطفی، احترام به انتخاب های فردی، کمک به تفسیر واقع بینانه شکست ها و حمایت از خودمختاری دانشجو است. در چنین شرایطی، خانواده به جای آنکه منبع فشار و کنترل باشد، به پشتوانه ای برای تقویت احساس شایستگی و مسئولیت پذیری تبدیل

می شود. در واقع، دانشجو زمانی می تواند با آرامش بیشتری با دشواری های دانشگاهی روبه رو شود که اطمینان داشته باشد ارزشمندی او به نمره، رتبه یا میزان موفقیت تحصیلی وابسته نیست. سلامت ارتباطی خانواده نیز در این میان اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا روابط خانوادگی مبتنی بر اعتماد، گفت و گوی سازنده و دلبستگی ایمن، زمینه ای فراهم می آورد که دانشجو بتواند نگرانی ها و شکست های خود را بدون ترس از سرزنش با اعضای خانواده در میان بگذارد. در همین راستا، پژوهش ها نشان داده اند که سلامت خانواده و سبک های دلبستگی می توانند در پیش بینی خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان نقش داشته باشند و خودکارآمدی نیز از طریق افزایش باور به توانایی، تلاش و پایداری، با انگیزش یادگیری ارتباط پیدا می کند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴).

اهمیت نقش خانواده در انگیزش یادگیری دانشجویان را نمی توان جدا از ویژگی های دوره بزرگسالی نوظهور و شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی دانشجویان بررسی کرد. بسیاری از دانشجویان کارشناسی در مرحله ای قرار دارند که هنوز از نظر اقتصادی کاملاً مستقل نشده اند و در عین حال، انتظار می رود درباره آینده تحصیلی، شغلی و اجتماعی خود تصمیم های مهمی بگیرند. این وضعیت دوسویه ممکن است تعارض هایی میان نیاز به استقلال و نیاز به حمایت ایجاد کند. دانشجو از یک سو تمایل دارد انتخاب های خود را شخصاً انجام دهد و از دخالت مستقیم والدین فاصله بگیرد و همچنین، در زمان مواجهه با فشارهای مالی، دشواری های درسی، مسائل عاطفی یا نگرانی های مربوط به آینده، همچنان به حمایت خانواده نیازمند است. بنابراین، کیفیت حمایت خانوادگی از کمیت آن مهم تر است. حمایت زیاد، اگر با کنترل، مقایسه، سرزنش و تحمیل همراه باشد، ممکن است به کاهش احساس مالکیت دانشجو نسبت به اهداف تحصیلی منجر شود؛ اما حمایت متناسب و استقلال بخش می تواند دانشجو را در تنظیم اهداف و پیگیری آن ها توانمند کند. خانواده همچنین می تواند از طریق حمایت مالی و ابزاری، بخشی از موانعی را که تمرکز دانشجو بر یادگیری را مختل می کنند، کاهش دهد. تأمین هزینه های تحصیل، دسترسی به ابزارهای آموزشی، فراهم کردن فضای مناسب برای مطالعه و کمک به مدیریت برخی مسئولیت های خانوادگی، از جمله حمایت هایی هستند که به صورت غیرمستقیم بر انگیزش یادگیری اثر می گذارند. با این حال، حمایت مالی به تنهایی نمی تواند جایگزین حمایت عاطفی و ارتباطی شود. ممکن است دانشجویی از امکانات مالی مناسب برخوردار باشد، اما به دلیل نبود گفت و گوی سالم، بی اعتنائی عاطفی یا فشار انتظارات خانوادگی، انگیزش و مشارکت تحصیلی پایینی داشته باشد. همچنین، خانواده ای با منابع اقتصادی محدود می تواند از طریق ایجاد فضای عاطفی امن، تقویت امید، تشویق تلاش و کمک به حل مسئله، بخشی از آثار منفی محدودیت های اقتصادی را کاهش دهد. در این چارچوب، تعامل میان خانواده و دانشگاه نیز اهمیت پیدا می کند؛ زیرا دانشجو در دو محیط مهم اجتماعی زندگی می کند و هماهنگی نسبی میان ارزش ها و انتظارات این دو محیط می تواند به ثبات انگیزشی او کمک کند. تعامل خانواده و دانشگاه، به ویژه در زمینه تربیت اجتماعی و مسئولیت پذیری دانشجویان، می تواند پیوند میان تجربه دانشگاهی و زندگی خانوادگی را تقویت کرده و از گسست میان آموزش رسمی و نیازهای واقعی دانشجو جلوگیری کند (موسوی و درودی، ۱۳۹۲).

۱-۱. بیان مسئله

با وجود اهمیت خانواده در فرایند رشد و یادگیری، در بسیاری از برنامه های آموزشی دانشگاه ها، نقش خانواده در انگیزش دانشجویان کارشناسی یا نادیده گرفته می شود یا به حمایت مالی و عاطفی عمومی محدود می گردد. در حالی که خانواده می تواند از راه های متعدد و گاه پیچیده بر انگیزش یادگیری اثر بگذارد، از جمله از طریق سبک ارتباطی، کیفیت دلبستگی،

نگرش به تحصیل، انتظارات والدینی، الگوی حل مسئله، میزان استقلال دادن به دانشجو و نحوه واکنش به شکست. مسئله اصلی این است که خانواده همیشه نقش تقویت کننده ندارد و اثر آن به کیفیت و شیوه اعمال حمایت وابسته است. برای مثال، پرسش مداوم درباره نمرات و رتبه ممکن است از دید والدین نشانه علاقه و مسئولیت پذیری باشد، اما از دید دانشجو به صورت فشار، بی اعتمادی یا ترس از قضاوت تجربه شود. همچنین توصیه های مکرر درباره انتخاب رشته یا شغل ممکن است با هدف راهنمایی ارائه شوند، اما اگر با نادیده گرفتن علایق و توانایی های دانشجو همراه باشند، می توانند احساس بی اختیاری و بیگانگی نسبت به مسیر تحصیلی را افزایش دهند. در مقابل، گفت و گوی مشارکتی، شنیدن دیدگاه دانشجو، ارائه بازخورد واقع بینانه و احترام به تصمیم های او می تواند احساس خودمختاری را تقویت کند. از این رو، بررسی نقش خانواده در انگیزش یادگیری نیازمند عبور از نگاه ساده انگارانه ای است که خانواده را صرفاً به عنوان «حامی» یا «مانع» معرفی می کند. خانواده در واقع مجموعه ای از منابع، روابط، پیام ها و انتظارات است که ممکن است همزمان آثار مثبت و منفی بر دانشجو داشته باشد. نوع اثرگذاری خانواده به عواملی مانند سن و جنسیت دانشجو، وضعیت اقتصادی، محل زندگی، فاصله دانشگاه از خانواده، فرهنگ جامعه، رشته تحصیلی و میزان استقلال فردی بستگی دارد. افزون بر این، شرایط آموزش عالی در سال های اخیر، از جمله گسترش آموزش مجازی، افزایش استفاده از فناوری، تغییر الگوی ارتباطات خانوادگی و پیچیده تر شدن مسیر ورود به بازار کار، شکل رابطه خانواده و دانشجو را دگرگون کرده است. در چنین شرایطی، شناخت دقیق ابعاد نقش خانواده می تواند به دانشگاه ها و مراکز مشاوره کمک کند تا مداخلات مؤثرتری برای پیشگیری از بی انگیزگی و افت تحصیلی طراحی کنند. پژوهش های مربوط به حمایت معلم و خانواده نیز نشان داده اند که انگیزش و درگیری تحصیلی دانشجویان از تعامل میان منابع حمایتی مختلف تأثیر می پذیرد و نمی توان نقش خانواده را جدا از محیط آموزشی و روابط دانشگاهی تحلیل کرد (Descals-Tomás et al., ۲۰۲۱).

یکی از ابعاد مهم مسئله، تمایز میان حمایت خانواده و کنترل خانوادگی است. حمایت خانوادگی زمانی به تقویت انگیزش یادگیری کمک می کند که دانشجو آن را در راستای رشد و توانمند شدن خود ادراک کند؛ اما کنترل خانوادگی زمانی شکل می گیرد که والدین بخواهند اهداف، روش ها و نتایج تحصیلی دانشجو را بدون توجه کافی به نیازها و انتخاب های او تعیین کنند. در حمایت استقلال بخش، والدین ضمن بیان انتظارات خود، به دانشجو فرصت می دهند درباره اهدافش تصمیم بگیرد، پیامد انتخاب هایش را بپذیرد و از تجربه های دشوار برای رشد استفاده کند. در کنترل روان شناختی، ارزشمندی دانشجو به میزان موفقیت او وابسته می شود و پیام هایی مانند تهدید به قطع حمایت، مقایسه با دیگران، ایجاد احساس گناه یا القای شرمندگی ممکن است به ابزارهای رایج هدایت تحصیلی تبدیل شوند. این شیوه ها شاید در کوتاه مدت به افزایش تلاش یا کسب نمره منجر شوند، اما معمولاً کیفیت انگیزش را تضعیف می کنند و یادگیری را به فعالیتی اضطراب آور تبدیل می سازند. دانشجویی که فقط برای رضایت والدین یا جلوگیری از سرزنش مطالعه می کند، ممکن است در ظاهر عملکرد قابل قبولی داشته باشد، اما احتمالاً علاقه پایدار، یادگیری عمیق و توانایی خودتنظیمی کمتری خواهد داشت. در برابر این وضعیت، ارتباط خانوادگی باز و دوسویه می تواند به دانشجو کمک کند تا درباره دشواری های تحصیلی خود صحبت کند، اهدافش را بازنگری نماید و برای حل مسائل از خانواده کمک بگیرد، بدون آنکه احساس کند استقلال او تهدید شده است. الگوهای ارتباطی خانواده بر نحوه انتقال پیام های انگیزشی نیز اثر می گذارند. در خانواده هایی که گفت و گو در آن آزاد، محترمانه و مشارکتی است، دانشجو بیشتر فرصت دارد تجربه ها و نیازهای خود را بیان کند و حمایت متناسب دریافت نماید. در خانواده هایی که ارتباطات بسته، یک سویه یا تعارض آمیز است، حتی حمایت های ظاهراً مثبت نیز ممکن است به شکل فشار یا دخالت تجربه شوند. بررسی ارتباطات خانوادگی در میان دانشجویان نشان داده است که کیفیت ارتباط خانواده می تواند

با انگیزش یادگیری و پیشرفت تحصیلی ارتباط داشته باشد و خانواده از این مسیر بر نگرش و رفتار تحصیلی دانشجو اثر بگذارد (Sutedjo et al., ۲۰۲۴).

مسئله دیگر، چگونگی اثرگذاری حمایت خانواده بر متغیرهای روان‌شناختی میانجی است. خانواده معمولاً انگیزش یادگیری را به صورت مستقیم و جدا از سایر فرایندهای روانی ایجاد نمی‌کند، بلکه از طریق تقویت خودکارآمدی، احساس تعلق، خودپنداره تحصیلی، تاب‌آوری و ارزش ادراک‌شده تحصیل بر انگیزش اثر می‌گذارد. هنگامی که اعضای خانواده موفقیت‌های دانشجو را به تلاش، پشتکار و استفاده از راهبردهای مناسب نسبت می‌دهند، نه به استعداد ثابت و تغییرناپذیر، دانشجو احتمال بیشتری دارد که در مواجهه با شکست، توانایی خود را قابل توسعه بداند. چنین نگرشی موجب می‌شود ناکامی تحصیلی به عنوان نشانه ناتوانی قطعی تفسیر نشود، بلکه فرصتی برای اصلاح راهبردها و افزایش تلاش تلقی گردد. خانواده همچنین می‌تواند با توجه به پیشرفت‌های تدریجی، تقویت احساس شایستگی و فراهم کردن فرصت تصمیم‌گیری، خودکارآمدی دانشجو را ارتقا دهد. در مقابل، مقایسه مداوم با خواهر و برادر، دوستان یا دانشجویان دیگر ممکن است خودپنداره تحصیلی را تضعیف کند و دانشجو را به سمت اجتناب از موقعیت‌های چالش‌برانگیز سوق دهد. همچنین، خانواده با ایجاد احساس تعلق و پذیرش می‌تواند توانایی دانشجو برای تحمل فشارهای تحصیلی را افزایش دهد. دانشجویی که احساس می‌کند در صورت شکست نیز از حمایت عاطفی خانواده برخوردار خواهد بود، با احتمال بیشتری در فعالیت‌های علمی دشار مشارکت می‌کند و از اشتباه کردن نمی‌هراسد. این مسئله در دانشجویانی که با تغییر شهر، دوری از خانواده، مشکلات مالی یا فشارهای آموزشی مواجه‌اند، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، مطالعه نقش خانواده باید از بررسی همبستگی ساده میان حمایت والدین و نمره یا انگیزش فراتر رود و سازوکارهای روان‌شناختی این رابطه را نیز مورد توجه قرار دهد. در پژوهش‌های مربوط به پیشرفت تحصیلی دانشجویان، خودکارآمدی، درگیری تحصیلی و حمایت محیطی به عنوان مؤلفه‌هایی مرتبط با استمرار تلاش و سازگاری آموزشی مطرح شده‌اند و این یافته‌ها ضرورت توجه به مسیرهای میانجی میان خانواده و انگیزش را نشان می‌دهد (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹).

بر این اساس، مسئله اساسی مقاله حاضر آن است که خانواده از چه راه‌هایی می‌تواند انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی را تقویت یا تضعیف کند و چه شرایطی موجب می‌شود حمایت خانوادگی به عاملی برای خودتنظیمی، علاقه‌مندی و پایداری تحصیلی تبدیل شود. پاسخ به این مسئله مستلزم بررسی هم‌زمان چند بعد است: نخست، باید نقش سلامت عاطفی و کیفیت روابط خانوادگی بررسی شود؛ دوم، لازم است انواع حمایت‌های عاطفی، مالی، اطلاعاتی و ابزاری از یکدیگر تفکیک شوند؛ سوم، باید تفاوت میان انتظارات سازنده و فشارهای کنترل‌گرانه مورد توجه قرار گیرد؛ چهارم، نقش متغیرهایی مانند خودکارآمدی، خودپنداره تحصیلی، تاب‌آوری و درگیری یادگیری باید در تبیین رابطه خانواده و انگیزش بررسی شود؛ و پنجم، لازم است تأثیر زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی بر این رابطه مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین، نمی‌توان نقش خانواده را بدون توجه به نقش دانشگاه، استادان و گروه همسالان تحلیل کرد. دانشجو در محیطی چندلایه رشد می‌کند و تجربه انگیزشی او نتیجه تعامل میان ویژگی‌های فردی، خانواده، استاد، همکلاسی‌ها و ساختار دانشگاه است. خانواده ممکن است دانشجو را به یادگیری تشویق کند، اما اگر محیط دانشگاهی فاقد حمایت آموزشی، بازخورد مناسب و فرصت مشارکت باشد، انگیزش ایجادشده در خانواده به آسانی تضعیف می‌شود. همچنین استادان می‌توانند با آگاهی از شرایط خانوادگی دانشجویان، درک دقیق‌تری از مشکلات انگیزشی آنان به دست آورند و از طریق راهنمایی و منتورینگ، حمایت خانواده را با حمایت دانشگاهی پیوند دهند. نقش خانواده و استادان در تقویت انگیزش و پیامدهای یادگیری دانشجویان و دانش‌آموزان نشان می‌دهد که انگیزش پدیده‌ای چندعاملی است و مداخلات مؤثر باید به جای تمرکز بر یک

عامل، شبکه حمایت‌های پیرامون یادگیرنده را در نظر بگیرند. در نتیجه، بررسی نقش خانواده در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی، هم از نظر نظری و هم از نظر کاربردی، ضروری است. از نظر نظری، این موضوع به روشن شدن رابطه میان محیط خانوادگی، فرایندهای انگیزشی و رفتارهای یادگیری کمک می‌کند و می‌تواند پیوندی میان نظریه‌های انگیزش، نظریه‌های ارتباط خانوادگی و دیدگاه‌های بوم‌شناختی درباره رشد انسان ایجاد نماید. از نظر کاربردی، یافته‌های چنین بررسی‌ای می‌تواند برای والدین، مشاوران دانشگاهی، استادان، مدیران آموزش عالی و سیاست‌گذاران آموزشی سودمند باشد. والدین با شناخت شیوه‌های حمایت مؤثر می‌توانند از تبدیل نگرانی تحصیلی به فشار روانی جلوگیری کنند؛ مشاوران می‌توانند در کنار دانشجو، الگوهای ارتباطی و انتظارات خانوادگی را نیز بررسی نمایند؛ دانشگاه‌ها می‌توانند برنامه‌های آموزشی خانواده‌محور برای آغاز دوره کارشناسی طراحی کنند؛ و استادان می‌توانند از ظرفیت ارتباط سازنده با دانشجویان برای تقویت خودکارآمدی و علاقه به یادگیری بهره بگیرند. با توجه به اینکه دانشجویان کارشناسی در مرحله‌ای حساس از شکل‌گیری هویت علمی و حرفه‌ای خود قرار دارند، هرگونه مداخله‌ای که به افزایش انگیزش آنان کمک کند، می‌تواند پیامدهایی فراتر از کسب نمره داشته باشد و بر استمرار تحصیل، انتخاب شغل، مشارکت اجتماعی و کیفیت زندگی آینده آنان اثر بگذارد. مطالعات مربوط به یادگیری خودراهبر نیز بر اهمیت توانایی دانشجو در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت بر عملکرد و ارزیابی فرایند یادگیری تأکید کرده‌اند؛ توانایی‌هایی که در تعامل با حمایت خانواده و محیط آموزشی می‌توانند به انگیزش پایدارتر منجر شوند (مهدیار حقیقی و همکاران، ۱۴۰۵). مقاله حاضر با رویکردی مروری می‌کوشد ابعاد مختلف نقش خانواده در انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی را بررسی کند، یافته‌های مطالعات پیشین را در محورهای منسجم سازمان دهد و بر اساس این یافته‌ها، الگویی پیشنهادی برای تقویت انگیزش یادگیری در تعامل میان خانواده، دانشجو و دانشگاه ارائه نماید.

۱-۲. هدف مقاله

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی نقش خانواده در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی از طریق مرور و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های پیشین است. در این راستا، نقش حمایت عاطفی، ارتباط خانوادگی، سلامت خانواده، انتظارات والدینی، حمایت مالی و اطلاعاتی، سبک‌های تعاملی و میزان استقلال‌دادن به دانشجو بررسی می‌شود. همچنین تلاش خواهد شد سازوکارهایی که از طریق آن‌ها خانواده بر انگیزش یادگیری اثر می‌گذارد، از جمله خودکارآمدی تحصیلی، خودتنظیمی، تاب‌آوری، احساس تعلق و درگیری تحصیلی، شناسایی و تحلیل شوند. هدف دیگر مقاله، تفکیک حمایت سازنده از کنترل و فشار خانوادگی است؛ زیرا هر نوع دخالت یا توجه والدین الزاماً به افزایش انگیزش منجر نمی‌شود. در نتیجه، با تلفیق مبانی نظری و یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی، الگویی پیشنهادی برای تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی ارائه خواهد شد که بتواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده و طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی خانواده‌محور قرار گیرد.

۲. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

۱.۲. نظریه خودتعیین‌گری و پویایی‌های خانواده در ارضای نیازهای بنیادین

بر اساس نظریه خودتعیین گری، انگیزش یادگیری پیوستاری است که از بی انگیزگی کامل تا انگیزش درونی امتداد می یابد و کیفیت آن منوط به ارضای سه نیاز بنیادین روان شناختی یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط است. محیط خانواده به عنوان نخستین و پایدارترین بافت اجتماعی، نقشی اساسی در تأمین این نیازها برای دانشجویان ایفا می کند (Descals- Tomás et al., ۲۰۲۱).

هنگامی که والدین به جای اعمال رفتارهای کنترل گرانه، از استقلال فردی و حق انتخاب دانشجو در فرایند تحصیل حمایت می کنند، زمینه درونی سازی ارزش های آموزشی فراهم می شود. پژوهش ها نشان می دهند که حمایت خانواده و شیوه های ارتباطی سازنده، توانایی یادگیرنده را در درگیری تحصیلی عمیق تر ارتقا می دهد (Sutedjo et al., ۲۰۲۴). در مقابل، سبک های تعاملی مستبدانه و کنترل روان شناختی از سوی والدین، ارضای نیاز به خودمختاری را مسدود کرده و یادگیری را به ابزاری صرف برای فرار از سرزنش یا جلب تایید بیرونی تقلیل می دهند. در چنین بافتی، انگیزش بیرونی جایگزین میل ذاتی به فهم مطالب می گردد و انگیزش تحصیلی فرد در گذر زمان تضعیف می شود (Ahmad et al., ۲۰۱۹). تأمین نیاز به شایستگی نیز مستلزم آن است که خانواده ساختار، بازخورد واقع بینانه و فرصت هایی برای تجربه تسلط در اختیار دانشجو قرار دهد. زمانی که اعضای خانواده به توانمندی های فرزند باور داشته باشند، احساس کارآمدی فرد در مواجهه با چالش های دانشگاهی تقویت می شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر این، برآورده شدن نیاز به ارتباط و تعلق عاطفی در فضای امن خانواده، بستری روانی ایجاد می کند که دانشجو بتواند شکست های تحصیلی را به عنوان فرصت های یادگیری بازتعریف کند و با انگیزه پایدار به مسیر علمی خود ادامه دهد (Hamjah et al., ۲۰۱۱).

۲.۲. نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی و نقش واسطه ای خودکارآمدی

در چارچوب نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی بندورا، رفتار انسان برآیند تعامل سه جانبه و متقابل میان عوامل فردی، محیطی و الگوهای رفتاری است. در این الگو، باورهای خودکارآمدی به منزله نیروی میانجی اصلی میان ساختار خانواده و میزان انگیزش و تلاش دانشجو عمل می کنند (لطفی جلال آبادی و همکاران، ۱۳۹۹). خانواده از طریق فراهم سازی تجارب موفقیت، الگوبرداری مثبت، ترغیب های کلامی سازنده و کاهش فشارهای تنش زا، باور فرد به توانایی هایش را جهت یادگیری خودتنظیم ارتقا می بخشد. تجارب زیسته در کانون خانواده به فرد کمک می کند تا مهارت های خودراهبری را برای مواجهه با محیط های نوین آموزشی توسعه دهد (مهدیار حقیقی و همکاران، ۱۴۰۵). از این منظر، جو عاطفی مثبت و ارتباطات سالم خانوادگی، زمینه ساز تاب آوری روانی و خودپنداره تحصیلی قوی در یادگیرندگان می شوند. مطالعات نشان داده اند که محیط های حامی، درگیری تحصیلی را افزایش داده و از فرسودگی انگیزشی جلوگیری به عمل می آورند (فخاریان و همکاران، ۱۳۹۸). حمایت های اجتماعی دریافتی از سوی اعضای خانواده، همراه با پشتیبانی همسالان، مسیر دستیابی به موفقیت تحصیلی را هموار ساخته و رفتارهای مرتبط با جهت گیری هدف را تقویت می کند. ترکیب این حمایت ها انتظارات فرد از پیامد تلاش هایش را به شکلی واقع بینانه شکل می دهد (Marley & Wilcox, ۲۰۲۲). بنابراین، خودکارآمدی تحصیلی به عنوان یک سازه شناختی محوری، اثرات مثبت شیوه های حمایتی خانواده را دریافت کرده و آن را به پایداری، سرسختی و انگیزش پایدار در موقعیت های یادگیری دانشگاهی تبدیل می نماید (Lam, ۲۰۱۹).

۳.۲. نظریه بوم‌شناختی سامانه‌ها و رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی

نظریه بوم‌شناختی سامانه‌های برون‌فراهمی، رشد و یادگیری را درون مجموعه‌ای از سیستم‌های درهم‌تنیده محیطی تبیین می‌کند که خرده‌سامانه خانواده و خرده‌سامانه دانشگاه در رأس تعاملات مستقیم آن قرار دارند. کیفیت پیوند میان این دو محیط، جهت‌گیری انگیزشی دانشجو را تعیین می‌کند (موسوی و درودی، ۱۳۹۲). هماهنگی هنجاری و ارزشی میان خانه و دانشگاه در سطح میان‌سامانه، امنیت روانی لازم را برای پردازش اطلاعات و ساخت فعالانه دانش فراهم می‌آورد. در رویکردهای سازنده‌گرایی، یادگیری فرایندی فعال و وابسته به بافت است که نیازمند تعامل و ساخت معنا می‌باشد (حقانی و همکاران، ۱۴۰۴). وقتی خانواده به مثابه یک شبکه تسهیل‌گر عمل می‌کند، دانشجو با اتکا به سرمایه اجتماعی درون‌خانگی، چالش‌های محیط دانشگاه را بهتر مدیریت کرده و به یادگیری مستمر علاقه‌مند می‌شود. این فرایند پویای جامعه‌پذیری علمی، انگیزه یادگیری مادام‌العمر را در ابعاد مختلف نهادینه می‌سازد (عینی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰). مداخلات آموزشی متمرکز بر ساختار خانواده و تلفیق آن با اصول یادگیری فعال، اثربخشی بالایی در اصلاح نقایص توجهی و بهبود انگیزش تحصیلی افراد نشان داده‌اند. این امر حاکی از پیوند ناگسستنی بافت خانوادگی با ظرفیت‌های شناختی و انگیزشی است (مهسا کامکار و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، هدایت‌گری علمی و حمایت نهادی در کنار پشتوانه خانوادگی، حلقه تکمیلی رشد انگیزشی را تشکیل داده و از تضاد نقش‌ها میان فضای دانشگاه و خانواده پیشگیری می‌کند. اساتید و منتورها می‌توانند با درک این بافت زمینه‌ای، مسیر هدایت انگیزشی دانشجویان را بهبود بخشند (بمبئی رو و همکاران، ۱۳۹۹). در نتیجه، انگیزش یادگیری دانشجویان محصول یک ساختار تعاملی چندسطحی است که در آن، متغیرهای خانوادگی نقش نگرگاه اولیه را در بازتولید اشتیاق علمی ایفا می‌کنند (Descals-Tomás et al., ۲۰۲۱).

۳. روش‌شناسی مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه مرور نظام‌مند (Systematic Literature Review) و سنتز پژوهشی در حوزه روان‌شناسی تربیتی و آموزش عالی است که بر مبنای راهنما و بیانیه ترجیحی برای گزارش مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل‌ها (PRISMA ۲۰۲۰) طراحی و اجرا گردیده است. هدف از این روش‌شناسی، شناسایی، غربالگری، ارزیابی نقادانه و ترکیب نظام‌مند شواهد تجربی و نظری پیرامون نقش مؤلفه‌های خانوادگی بر انگیزش یادگیری دانشجویان دوره کارشناسی می‌باشد. در تدوین پروتکل پژوهش، ساختار مبتنی بر چارچوب استاندارد PICO/PEO به شرح زیر تعریف شد: جامعه هدف یا جمعیت مطالعه (Population) شامل دانشجویان مقطع کارشناسی؛ پدیده مورد مواجهه یا متغیر مستقل (Exposure/Intervention) شامل ابعاد گوناگون کارکرد، پویایی‌ها و حمایت‌های خانواده؛ و پیامد یا متغیر وابسته (Outcomes) مشتمل بر انگیزش یادگیری (درونی و بیرونی)، خودکارآمدی، خودتنظیمی و درگیری تحصیلی بوده است.

به منظور گردآوری جامع شواهد علمی منتشرشده، جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های اطلاعاتی و نمایه‌نامه‌های معتبر بین‌المللی شامل Scopus، Web of Science، PsycINFO، ERIC، ScienceDirect، Google Scholar، و نیز پایگاه‌های استنادی ملی نظیر SID، Noormags، Magiran و IranDoc با بازه زمانی مشخص صورت پذیرفت. راهبرد جستجو از ترکیب کلیدواژه‌های فارسی و معادل‌های انگلیسی آن‌ها در سه حوزه مفهومی متغیرهای خانوادگی، انگیزش و جامعه دانشجویی با استفاده از عملگرهای بولی (AND, OR, NOT) و نویسه‌های کوتاه کردن کلمات (Truncation) شکل گرفت. کلیدواژه‌های

اصلی جستجو شامل ترکیبات: «حمایت خانواده» OR «کارکرد خانواده» OR «سبک های فرزندپروری» OR «ارتباطات خانوادگی» AND «انگیزش یادگیری» OR «انگیزش تحصیلی» OR «خودتعیین گری» OR «خودکارآمدی تحصیلی» OR «درگیری تحصیلی» AND «دانشجویان کارشناسی» OR «آموزش عالی» و معادل های انگلیسی آنها نظیر:

("Family Support" OR "Family Functioning" OR "Parenting Styles" OR "Family Communication") AND ("Learning Motivation" OR "Academic Motivation" OR "Self-Determination" OR "Academic Self-Efficacy") AND ("Undergraduate Students" OR "Higher Education")

بود که به صورت ترکیبی در عنوان، چکیده و واژگان کلیدی مقالات مورد جستجو قرار گرفت.

جهت گزینش مقالات متناسب با اهداف مرور، معیارهای شفاف ورود و خروج تدوین و اعمال شد:

۱. معیارهای ورود (Inclusion Criteria): (۱) مقالات پژوهشی اصیل منتشرشده در نشریات علمی-پژوهشی و همایش های معتبر؛ (۲) مطالعاتی که جامعه آماری آنها منحصرأ شامل دانشجویان دوره کارشناسی یا تحلیل های تفکیک شده دانشجویان دانشگاهی بوده است؛ (۳) پژوهش هایی که متغیرهای ساختار، پویایی یا حمایت های خانوادگی را در پیوند با انگیزش، خودکارآمدی یا درگیری تحصیلی ارزیابی کرده اند؛ (۴) مقالاتی که ساختار روش شناختی مدون (کمی، کیفی یا آمیخته) ارائه داده اند؛ و (۵) متونی که به زبان های فارسی یا انگلیسی منتشر شده اند.

۲. معیارهای خروج (Exclusion Criteria): (۱) پژوهش های انجام شده بر روی دانش آموزان مدارس (کودکان و نوجوانان) بدون امکان تعمیم به بافت آموزش عالی؛ (۲) کتابچه های خلاصه همایش، سرمقاله ها، یادداشت های سردبیر و متون غیرداوری شده؛ (۳) مطالعات فاقد کیفیت روش شناختی مناسب یا با گزارش های ناقص داده ها؛ و (۴) گزارش های تکراری و هم پوشان در پایگاه های مختلف داده.

فرایند غربالگری در چهار گام اصلی شامل شناسایی، غربالگری اولیه عنوان و چکیده، بررسی تمام متن مقالات و ورود نهایی به فرآیند تحلیل بر مبنای دیاگرام جریان PRISMA به انجام رسید. در مرحله ارزیابی کیفی، متون راه یافته با استفاده از ابزارهای ارزیابی نقادانه متناسب با روش پژوهش نظیر مقیاس ارزیابی کیفیت مطالعات مشاهده ای و مقطعی موسسه جونا بریگز (JBI Critical Appraisal Checklists) و چارچوب های اعتبارسنجی مطالعات روان شناختی مورد سنجش قرار گرفتند. جهت پیشگیری از خطای سوگیری، استخراج داده ها با کاربرد یک فرم استانداردسازی شده استخراج اطلاعات (شامل مشخصات کتاب شناختی، متغیرهای مستقل و وابسته، طرح مطالعه، ابزارهای اندازه گیری، ویژگی های نمونه و مهم ترین یافته ها) انجام شد. در نتیجه، داده های مستخرج در قالب روش سنتز موضوعی و تحلیل کیفی-تفسیری دسته بندی و کدگذاری گردیدند تا ابعاد پنهان و الگوهای تکرارشونده در اثرگذاری مؤلفه های خانوادگی بر ابعاد انگیزش یادگیری دانشجویان استخراج و در قالب بخش یافته ها گزارش شود.

۴. یافته های مروری و سنتز شواهد پژوهشی

۴.۱. تحلیل ابعاد چندگانه حمایت خانوادگی و اثر آن بر انگیزش تحصیلی

سنتز داده های مستخرج از مطالعات مرور شده نشان می دهد که حمایت خانوادگی پدیده ای چندبعدی است و نمی توان تأثیر آن را بر انگیزش یادگیری دانشجویان به یک متغیر تک بعدی تقلیل داد. ابعاد حمایت خانوادگی در متون علمی در چهار مؤلفه اصلی شامل حمایت عاطفی-روانی، حمایت ابزاری و مالی، حمایت اطلاعاتی-مشاوره ای و حمایت استقلال بخش طبقه بندی می شوند (Descals-Tomás et al., ۲۰۲۱). حمایت عاطفی به مثابه یک لنگرگاه روانی عمل می کند که طی آن، دانشجو در مواجهه با چالش های شناختی و اضطراب های تحصیلی دوره کارشناسی، از پذیرش نامشروط و همدلی اعضای خانواده اطمینان دارد. این احساس امنیت، ترس از شکست را تعدیل کرده و یادگیرنده را به سمت اهداف تسلطی و انگیزش درونی سوق می دهد (Sutedjo et al., ۲۰۲۴). در مقابل، حمایت ابزاری و مالی بسترساز تأمین منابع مادی، ابزارهای فناورانه و کاهش دغدغه های معیشتی دانشجو است؛ با این حال، شواهد نشان می دهند که تأثیر حمایت مالی بر انگیزش یادگیری به صورت مستقیم نبوده، بلکه از طریق کاهش استرس های محیطی و فراهم سازی فرصت تمرکز بر یادگیری عمیق عمل می کند (Ahmad et al., ۲۰۱۹). تحلیل مقایسه ای پژوهش ها حاکی از آن است که کیفیت ارتباطات کلامی و صمیمیت عاطفی در کانون خانواده، سهم پیش بین بالاتری نسبت به متغیرهای اقتصادی صرف در تبیین انگیزش یادگیری دارد. هنگامی که والدین فضای گفت و گوی باز را فراهم می سازند، دانشجو تجارب زیسته و چالش های تحصیلی خود را با سهولت بیشتری بازگو می کند و این تبادل عاطفی به تاب آوری تحصیلی می انجامد (عینی پور و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این، سبک های ارتباطی مثبت در خانواده از طریق ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی، تمایل دانشجو به مشارکت فعال در کلاس های درس و جستجوی منابع یادگیری تکمیلی را تقویت می نماید (Hamjah et al., ۲۰۱۱).

بررسی مطالعات تجربی نشان می دهد دانشجویانی که سطوح بالاتری از حمایت خانواده را درک می کنند، در مقایسه با همتایان خود که فاقد این پیوند حمایتی هستند، پایداری تحصیلی بیشتری در مواجهه با دروس دشوار تخصصی از خود بروز می دهند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴). در جدول شماره ۱، ابعاد گوناگون حمایت خانوادگی، شاخص های رفتاری مربوطه و سازوکار اثرگذاری آن ها بر انواع انگیزش دانشجویان بر اساس سنتز مطالعات منتخب تلخیص شده است.

جدول ۱. ابعاد حمایت خانوادگی، شاخص های عینی و سازوکار اثرگذاری بر انگیزش یادگیری دانشجویان

بعد حمایت	مؤلفه ها و رفتارهای کلیدی خانواده	سازوکار روان شناختی	پیامد انگیزشی در دانشجو	منابع پشتیبان
حمایت عاطفی-روانی	گوش دادن فعال، اعتباربخشی به احساسات، پذیرش نامشروط، کاهش سرزنش هنگام افت نمرات	ارضای نیاز به ارتباط (Relatedness)، کاهش اضطراب ارزیابی، افزایش امنیت روانی	تقویت انگیزش درونی، اشتیاق به کشف مفاهیم نو، بازتعریف مثبت شکست	Descals-Tomás et al. (۲۰۲۱); Sutedjo et al. (۲۰۲۴)
حمایت استقلال بخش	احترام به انتخاب رشته، واگذاری تصمیم گیری	ارضای نیاز به خودمختاری (Autonomy)	شکل گیری جهت گیری هدف تسلطی، مسئولیت پذیری در یادگیری، کاهش اهمال کاری	مهدیار حقیقی و همکاران (۱۴۰۵);

Ahmad et al (۲۰۱۹)		درونی سازی ارزش های آکادمیک	تحصیلی، تشویق به خودراهبری و حل مسئله	
عینی پور و همکاران & Marley ; (۱۴۰۰) Wilcox (۲۰۲۲)	افزایش انگیزش پیشرفت، توسعه راهبردهای شناختی و فراشناختی	ارضای نیاز به شایستگی (Competence)، ارتقای شفافیت مسیر تحصیلی	تبادل نظر درباره آینده شغلی، ارائه بازخورد سازنده، کمک به اولویت بندی اهداف تحصیلی	حمایت اطلاعاتی - مشاوره های
موسوی و درودی (۱۳۹۲); فخاریان و همکاران (۱۳۹۸)	افزایش تمرکز بر تکالیف درسی، تداوم درگیری تحصیلی در طول ترم	کاهش بارهای شناختی اضافی و تنش های معیشتی زیست محیطی	تأمین ملزومات آموزشی، کتاب و فناوری دیجیتال، فراهم سازی فضای فیزیکی آرام برای مطالعه	حمایت ابزاری - مالی

داده های جدول ۱ نشان می دهد که ابعاد گوناگون حمایت خانوادگی با تحریک سازوکارهای روانی متمایز، پیامدهای انگیزشی متفاوتی را رقم می زنند. در حالی که حمایت های ابزاری و مالی صرفاً پیش شرط های فیزیکی و مادی تمرکز بر مطالعه را مهیا می سازند، حمایت های عاطفی و استقلال بخش به صورت مستقیم با هسته سخت انگیزش خودتعیین یافته پیوند خورده اند. این تمایز ساختاری نشان می دهد سیاست گذاری های مداخله ای خانواده محور در آموزش عالی باید بیش از تأکید بر پشتیبانی های مادی صرف، بر آموزش الگوهای تعاملی استقلال بخش و پذیرش عاطفی متمرکز شوند تا پایداری و عمق یادگیری در مقطع کارشناسی تضمین گردد.

۲.۴. متغیرهای واسطه ای: خودکارآمدی، خودتنظیمی و تاب آوری تحصیلی

سنتز ادبیات پژوهش نشان می دهد که اثر ساختار و پویایی های خانواده بر انگیزش یادگیری، در قالب یک زنجیره علت و معلولی غیرمستقیم و از طریق سازه های شناختی و روان شناختی میانجی بازتولید می شود. در صدر این متغیرها، خودکارآمدی تحصیلی قرار دارد که به منزله باور فرد به توانایی های خویش جهت سازماندهی و اجرای کنش های یادگیری تعریف می گردد (لطفی جلال آبادی و همکاران، ۱۳۹۹). تجارب یادگیری اولیه در خانواده و پیام های تشویقی والدین، از طریق ایجاد تجارب تسلط و اقناع کلامی، باورهای خودکارآمدی دانشجو را شکل می دهند و این باورها مستقیماً میزان تلاش، تاب آوری و انگیزش فرد را در رویارویی با متون و پروژه های پیچیده دانشگاهی پیش بینی می کنند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴). دانشجویانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، یادگیری را فرایندی قابل کنترل ارزیابی کرده و در نتیجه، سطح انگیزش درونی پایداری از خود نشان می دهند (Lam, ۲۰۱۹). علاوه بر خودکارآمدی، مهارت های یادگیری خودتنظیم و خودراهبر به عنوان دومین حلقه واسطه ای کلیدی شناسایی شده اند. یادگیری خودراهبر مستلزم توانایی دانشجو در تعیین اهداف یادگیری، انتخاب راهبردهای مناسب مطالعه، نظارت بر پیشرفت و ارزیابی پیامدهای عملکرد است (مهدیار حقیقی و همکاران، ۱۴۰۵). خانواده هایی که فضای نظم پذیری منعطف و خودمختاری هدایت شده را در سال های رشد فراهم کرده اند، فرزندان پرورش می دهند که در محیط باز دانشگاه، به جای سردرگمی و اهمال کاری، از راهبردهای فراشناختی بهره می گیرند. این مهارت های خودتنظیمی مانع از افت انگیزش تحصیلی ناشی از بار کاری سنگین ترم های پایانی کارشناسی می شوند (حقانی و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، جو عاطفی مثبت در خانواده با ایجاد سپر روانی در برابر

فرسودگی تحصیلی، تاب آوری دانشجو را تقویت کرده و میل به یادگیری مداوم را حتی پس از شکست در آزمون ها زنده نگه می دارد (فخاریان و همکاران، ۱۳۹۸). جدول شماره ۲ نقش متغیرهای میانجی و شواهد تجربی مرتبط با ضرایب و اثرات ساختاری آن ها را در پیوند میان بافت خانواده و انگیزش تحصیلی به تصویر می کشد.

جدول ۲. سنتز شواهد پیرامون متغیرهای روان شناختی واسطه ای در رابطه خانواده و انگیزش یادگیری

متغیر میانجی	نحوه شکل گیری در بافت خانواده	نقش واسطه ای در انگیزش یادگیری	شواهد تجربی و جهت رابطه	منابع
متغیر میانجی	نحوه شکل گیری در بافت خانواده	نقش واسطه ای در انگیزش یادگیری	شواهد تجربی و جهت رابطه	منابع
خودکارآمدی تحصیلی	تشویق های کلامی والدین، الگوبرداری از موفقیت های والدینی، بازخورد بدون تحقیر	افزایش تلاش و پایداری در وظایف دشوار، کاهش استیصال آموخته شده	میانجی گری کامل/مثبت و معنادار بر انگیزش پیشرفت	اعتمادی و همکاران (۱۳۹۴); لطفی جلال آبادی و همکاران (۲۰۱۹) Lam ; (۱۳۹۹)
یادگیری خودراهبر	واگذاری مسئولیت های متناسب با سن، عدم مداخله افراطی، تشویق به حل مسئله	توانمندسازی دانشجو در برنامه ریزی درسی، هدایت خودانگیخته رفتار یادگیری	میانجی گری مثبت بر انگیزش درونی و عملکرد تحصیلی	مهدیار حقیقی و همکاران (۱۴۰۵); حقانی و همکاران (۱۴۰۴)
تاب آوری و جو روانی مثبت	روابط عاطفی ایمن، فضای بدون تنش در منزل، حمایت در لحظات بحران فردی	مهار اضطراب امتحان، پیشگیری از فرسودگی تحصیلی، بازیابی انگیزش پس از شکست	اثر تعدیل کننده و میانجی در برابر افت انگیزشی	فخاریان و همکاران (۱۳۹۸); عینی پور و همکاران (۱۴۰۰)
خودپنداره و تعلق تحصیلی	ارزش گذاری خانواده برای شایستگی های فرد، ادغام اهداف تحصیلی با ارزش های فردی	احساس ارزشمندی در فضای دانشگاه، همسوسازی انگیزش با هویت حرفه ای	اثر مثبت و مستقیم بر جهت گیری هدف تسطی	Marley & Wilcox (۲۰۲۲); Descals-Tomás et al. (۲۰۲۱)

یافته های سنتز شده در جدول ۲ نشان می دهند که تأثیر خانواده بر انگیزش یادگیری بدون در نظر گرفتن ظرفیت های درونی سازی شده روان شناختی دانشجو امکان پذیر نیست. خودکارآمدی و یادگیری خودراهبر مانند ترانسفورماتورهای روان شناختی عمل می کنند که انرژی حمایتی خانواده را دریافت کرده و آن را به کنش های خودتنظیم، تلاش مستمر و تاب آوری علمی تبدیل می نمایند. این امر مؤید آن است که هرگونه مداخله برای ارتقای انگیزش تحصیلی باید به صورت همزمان به تقویت ساختار خانواده و ارتقای مهارت های شناختی فردی بپردازد.

۳.۴. تمایز پارادایمی: حمایت استقلال بخش در برابر کنترل روان شناختی

یکی از یافته های بسیار برجسته در مرور نظام مند حاضر، ضرورت تفکیک رفتارهای حمایت گرانه اصیل از الگوهای رفتاری مبتنی بر کنترل گری والدینی است. در بسیاری از موارد، رفتارهایی که از سوی والدین با نیت خیرخواهانه و پیگیری پیشرفت تحصیلی صورت می گیرد، توسط دانشجو به منزله «کنترل روان شناختی» یا «فشار تحمیلی» ادراک می شود (Ahmad et al., ۲۰۱۹). کنترل روان شناختی شامل کاربرد تکنیک های دستکاری عاطفی نظیر القای احساس گناه، ابراز ناامیدی مشروط به نمره، مقایسه با همسالان و تحمیل رشته های خاص دانشگاهی است. این شیوه ها با مسدود کردن مسیر خودمختاری، انگیزش درون زاد را سرکوب کرده و انگیزش بیرونی ناپایدار همراه با اضطراب شدید را جایگزین آن می سازند (Descals-Tomás et al., ۲۰۲۱). در مقابل، «حمایت استقلال بخش» رویکردی است که در آن والدین ضمن شفاف سازی انتظارات واقع بینانه و حفظ چارچوب های راهنمایی، حق عاملیت (Agency)، تصمیم گیری مستقل و حتی تجربه شکست های کنترل شده را به دانشجو واگذار می کنند. در چنین محیطی، دانشجو نسبت به فرایند تحصیل احساس مالکیت شخصی پیدا می کند (مهدیار حقیقی و همکاران، ۱۴۰۵). شواهد تجربی نشان می دهند که در خانواده های مقتدر منطقی، دانشجویان بالاترین میزان انگیزش درونی، اشتیاق تحصیلی و رضایت از تجربه دانشگاهی را گزارش کرده اند. در حالی که در الگوهای استبدادی یا هلیکوپتری (Helicopter Parenting)، وابستگی شناختی، خودپنداره ضعیف و افت انگیزش در ترم های میانی تحصیل شیوع بالایی دارد (مهسا کامکار و همکاران، ۱۴۰۴). ارتباطات مؤثر خانوادگی، با پرهیز از لحن دستوری و ارتقای گفت وگوهای تعاملی، خط فاصل روشنی میان نظارت سازنده و مداخله آسیب زا ترسیم می کند (Sutedjo et al., ۲۰۲۴). جدول شماره ۳ مقایسه ای تفصیلی میان دو الگوی رفتاری حمایت استقلال بخش و کنترل روان شناختی و اثرات آن ها بر ابعاد انگیزشی و شناختی ارائه می دهد.

جدول ۳. ماتریس تطبیقی حمایت استقلال بخش و کنترل روان شناختی خانواده و پیامدهای آن در دانشجویان

مؤلفه مقایسه	حمایت استقلال بخش (Autonomy Support)	کنترل روان شناختی (Psychological Control)
ماهیت نگرش والدین	اعتماد به توانمندی دانشجو و پذیرش حق انتخاب	بدبینی به توانایی دانشجو و الزام به اطاعت محض
سبک ارتباطی	گفت وگوی دوسویه، همدلی، گوش دادن و توجیه عقلانی	دستوردهای یک طرفه، سرزنش، انتقاد تحقیرآمیز، سکوت تنبیهی
نوع انتظارات	تأکید بر تلاش، یادگیری عمیق و پیشرفت فردی	تأکید وسواس گونه بر نمره الف، رتبه و منزلت اجتماعی
واکنش به افت تحصیلی	ریشه یابی مشارکتی، ارائه بازخورد سازنده، دلگرمی	القای حس گناه، سرزنش شدید، تهدید به قطع امکانات
نوع انگیزش غالب	انگیزش درونی و درون فکنی شده یکپارچه (Intrinsic/Integrated)	انگیزش بیرونی و تنظیم تزریق شده (Extrinsic/Introjected)
پیامدهای شناختی- رفتاری	خودتنظیمی قوی، تفکر نقادانه، اشتیاق آکادمیک	اضطراب امتحان، اجتناب از چالش، اهمال کاری، فرسودگی
شواهد پژوهشی پشتیبان	اعتمادی و همکاران (۱۳۹۴); مهدیار حقیقی و همکاران (۱۴۰۵)	Descals-Tomás et al. (۲۰۲۱); Ahmad et al. (۲۰۱۹)

تحلیل ماتریس جدول ۳ به وضوح نشان می دهد که تمایز میان حمایت و کنترل، یک تمایز ظریف اما بنیادین در پیامدهای آموزشی است. والدینی که به نام حمایت به کنترل روان شناختی روی می آورند، ناخواسته موجب شکنندگی انگیزشی دانشجو در برابر تکالیف چالشی دانشگاه می شوند. در نقطه مقابل، حمایت استقلال بخش با تقویت حس مالکیت بر یادگیری، انگیزش را از یک انگیزه گذرا برای جلب رضایت اطرافیان به نیرویی پایدار برای توسعه شایستگی های حرفه ای تبدیل می نماید.

۴.۴. تعامل بوم شناختی: هم افزایی خانواده، دانشگاه، اساتید و همسالان

بر مبنای رویکرد بوم شناختی، انگیزش تحصیلی صرفاً درون دیوارهای خانه یا کلاس درس بازتولید نمی شود، بلکه برآیند تعاملات چندسطحی میان خرده سامانه های مختلف زیست دانشجو است. شواهد حاکی از آن است که بیشترین میزان ارتقای انگیزش یادگیری زمانی رخ می دهد که پیامی هماهنگ و تقویت کننده از سوی خانواده، اساتید و شبکه همسالان به دانشجو مخابره شود (موسوی و درودی، ۱۳۹۲). اساتید دانشگاه به عنوان هدایت گران علمی و منتورها، نقشی مکمل در قبال حمایت های عاطفی خانواده ایفا می کنند. هنگامی که یک استاد بازخورد شفاف ارائه داده و به دانشجو نقش عاملیت می دهد، بسترهای انگیزشی فراهم شده توسط خانواده به بار می نشیند (بمبئی رو و همکاران، ۱۳۹۹). در شرایطی که میان انتظارات سنتی خانواده و الگوهای یادگیری فعال دانشگاهی تعارض وجود داشته باشد، دانشجو دچار گسست هویتی و بی انگیزگی شناختی می گردد (حقانی و همکاران، ۱۴۰۴). علاوه بر رابطه استاد-دانشجو، پیوند میان حمایت خانوادگی و حمایت همسالان نیز حائز اهمیت بنیادین است. پژوهش ها نشان می دهند که حمایت مثبت همسالان در قالب گروه های یادگیری همیارانه و تبادل تجارب دانشجویی، اثرات مثبت حمایت خانوادگی را مضاعف می سازد (Marley & Wilcox, ۲۰۲۲). دانشجویانی که از هر دو منبع حمایتی (خانواده گرم و شبکه همسالان پویا) بهره مند هستند، بالاترین سطوح خودکارآمدی و درگیری تحصیلی را نشان می دهند. افزون بر این، تلفیق مداخلات آموزشی نوین با آگاهی بخشی خانوادگی، نقشی ساختاریافته در تنظیم شناخت، توجه و جهت گیری هدف دانشجویان ایفا می کند (مهسا کامکار و همکاران، ۱۴۰۴). نهاد دانشگاه موظف است با بازطراحی کانال های ارتباطی خود با والدین، سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده ها را در خدمت اهداف توسعه شایستگی های تحصیلی دانشجویان به کار گیرد (موسوی و درودی، ۱۳۹۲). جدول شماره ۴ ابعاد تعاملات چندسطحی بوم شناختی و نقش هم افزای آن ها را در تقویت پایداری انگیزش یادگیری دانشجویان ترسیم می کند.

جدول ۴. تحلیل چندسطحی بوم شناختی تعامل خانواده با سایر ارکان محیط یادگیری در تقویت انگیزش

سطح بوم شناختی	بازیگران اصلی	کارکرد حمایتی کلیدی	نحوه هم افزایی با کارکرد خانواده	پیامد ترکیبی بر یادگیری	شواهد مطالعاتی
----------------	---------------	---------------------	----------------------------------	-------------------------	----------------

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۴); عینی پور و همکاران (۱۴۰۰)	شکل گیری انگیزش درونی پایه و کاهش تنش های هویتی	تشکیل هسته اولیه اعتماد به نفس و خودارزشمندی تحصیلی	حمایت عاطفی، تأمین امنیت روانی، پذیرش شکست، استقلال بخشی	والدین، خواهر و برادر	خرده سامانه خانواده (Microsystem)
بمبئی رو و همکاران (۱۳۹۹); حقانی و همکاران (۱۴۰۴)	ارتقای خودکارآمدی علمی و تسلط بر دانش تخصصی	تبدیل امنیت عاطفی خانواده به شایستگی های تخصصی آکادمیک	ارائه بازخورد تخصصی، آموزش فعال، الگوبرداری علمی، منتورینگ	اساتید، منتورها، مشاوران	خرده سامانه دانشگاه و اساتید
Marley & Wilcox (۲۰۲۲); Descals- Tomás et al. (۲۰۲۱)	تقویت درگیری تحصیلی و پیشگیری از انزوای آکادمیک	ایجاد بستری برای تمرین استقلال و کاهش وابستگی صرف به خانواده	یادگیری مشارکتی، تسهیم تجرب درسی، حمایت متقابل اجتماعی	همکلاسی ها، دوستان صمیمی	خرده سامانه همسالان
موسوی و درودی (۱۳۹۲); مهسا کامکار و همکاران (۱۴۰۴)	تثبیت هویت حرفه ای و انگیزش پایدار در طول دوره کارشناسی	کاهش تضاد نقش ها میان انتظارات خانوادگی و الزامات دانشگاهی	مشاوره های دانشگاهی خانواده محور، همسوسازی ارزش ها	پیوند نهادی خانه و دانشگاه	میان سامانه (Mesosystem)

جدول ۴ با اتکا به مدل بوم شناختی نشان می دهد که انگیزش یادگیری یک متغیر منفرد و محصور در ذهن دانشجو نیست، بلکه محصول هم نوایی موزون خرده سامانه های زیستی او است. خانواده لنگرگاه عاطفی، اساتید هدایت گران شناختی و همسالان تسهیل گران اجتماعی این فرایند هستند. هرگاه میان سامانه (پیوند خانه و دانشگاه) دچار اختلال شود، پایداری انگیزش تهدید خواهد شد. بنابراین، دستیابی به انگیزش تحصیلی پایدار در دانشجویان کارشناسی مستلزم هماهنگی و هم راستایی پیام های تقویتی میان تمام این سطوح است.

۵. الگوی پیشنهادی نقش خانواده در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی

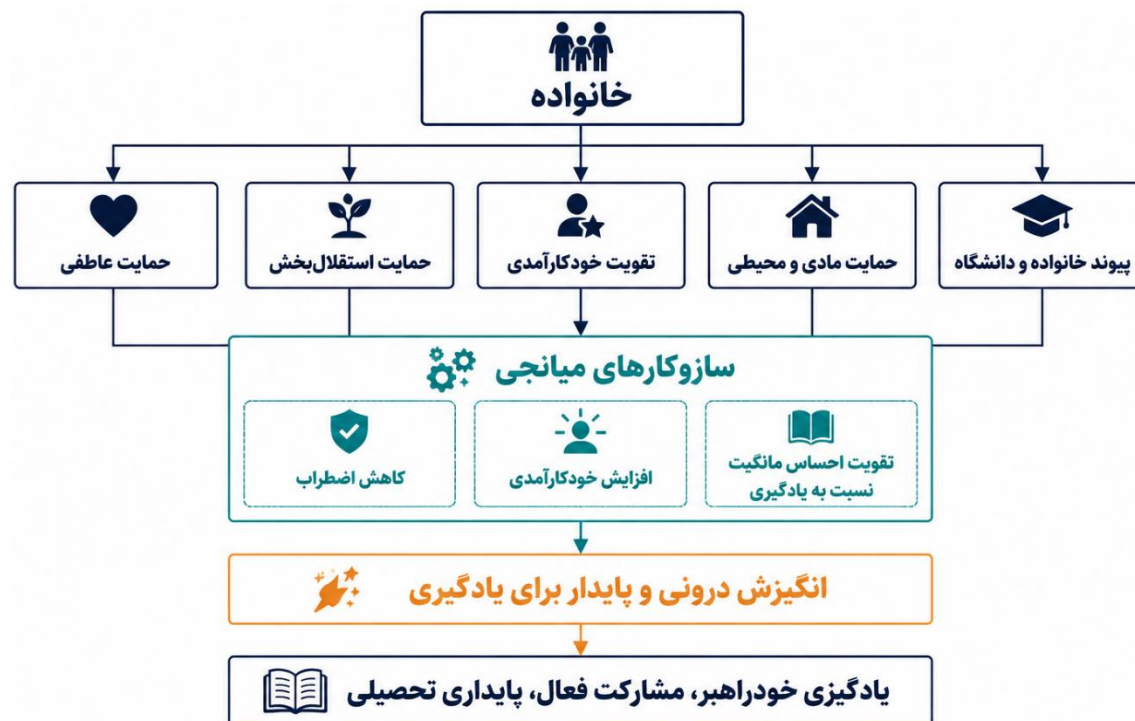
۱.۵. مبانی و منطق الگوی پیشنهادی

بر اساس یافته های مرورشده، خانواده یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی است؛ با این حال، تأثیر خانواده به صورت مستقیم و یکسان بر همه دانشجویان عمل نمی کند. نوع ارتباط اعضای خانواده با دانشجو، میزان حمایت عاطفی، شیوه انتقال انتظارات، سطح استقلال داده شده و توانایی خانواده در مدیریت تعارض ها، تعیین می کند که حضور خانواده به عاملی انگیزاننده یا فشارزا تبدیل شود. بر همین اساس، الگوی پیشنهادی این مقاله بر پایه یک نگاه فرایندی و چندسطحی تنظیم شده است که در آن، خانواده از طریق ایجاد بستر عاطفی امن، تقویت احساس شایستگی و حمایت از خودمختاری، زمینه شکل گیری انگیزش پایدار را فراهم می کند. در این الگو، نخستین مؤلفه، امنیت عاطفی و ارتباط سازنده خانوادگی است. دانشجو زمانی می تواند با آرامش به فعالیت های یادگیری بپردازد که در خانواده احساس

پذیرش، احترام و تعلق داشته باشد. گفت‌وگوی صمیمانه، گوش‌دادن فعال، پرهیز از سرزنش و فراهم کردن فرصت برای بیان نگرانی‌ها، موجب می‌شود دانشجو مشکلات تحصیلی خود را پنهان نکند و در زمان مناسب برای حل آن‌ها کمک بگیرد. خانواده در این مرحله نقش یک منبع آرامش روانی را ایفا می‌کند و به دانشجو کمک می‌نماید شکست‌های تحصیلی را پایان مسیر تلقی نکند.

دومین مؤلفه الگو، حمایت از خودمختاری و مسئولیت‌پذیری دانشجو است. در دوره کارشناسی، خانواده نباید تصمیم‌های تحصیلی و شغلی را به صورت کامل به جای دانشجو اتخاذ کند. وظیفه خانواده آن است که اطلاعات، تجربه و راهنمایی لازم را ارائه دهد، اما انتخاب نهایی و مسئولیت پیامدهای آن را به خود دانشجو واگذار کند. احترام به علایق، توانایی‌ها و اهداف فردی، باعث می‌شود دانشجو اهداف تحصیلی را متعلق به خود بداند و برای تحقق آن‌ها انگیزه بیشتری نشان دهد. در این وضعیت، خانواده به جای کنترل مستقیم، نقش تسهیل‌گر و مشاور را بر عهده می‌گیرد. سومین مؤلفه، تقویت احساس شایستگی و خودکارآمدی تحصیلی است. خانواده می‌تواند با توجه به پیشرفت‌های تدریجی دانشجو، تحسین تلاش‌ها، ارائه بازخورد واقع‌بینانه و کمک به شناسایی توانایی‌ها، باور او را نسبت به قابلیت‌هایش افزایش دهد. تمرکز بر فرایند یادگیری، پشتکار و پیشرفت فردی، اثربخشی بیشتری از تأکید صرف بر نمره و رتبه دارد. دانشجویی که به توانایی خود برای یادگیری و جبران کاستی‌ها باور دارد، در برابر دشواری‌های درسی مقاومت بیشتری نشان می‌دهد و با احتمال بالاتری به فعالیت‌های چالش‌برانگیز ادامه می‌دهد.

چهارمین مؤلفه، فراهم‌سازی حمایت‌های مادی و محیطی است. دسترسی به ابزارهای آموزشی، اینترنت، منابع علمی، فضای مناسب برای مطالعه و زمان کافی، شرایط لازم برای تمرکز بر یادگیری را فراهم می‌کند. این حمایت‌ها باید متناسب با نیاز واقعی دانشجو باشد و با وابسته‌سازی یا دخالت افراطی همراه نشود. خانواده همچنین می‌تواند با کمک به مدیریت وظایف روزمره و کاهش فشارهای غیرضروری، فرصت بیشتری برای مطالعه و فعالیت‌های دانشگاهی ایجاد کند. پنجمین مؤلفه الگو، پیوند و هماهنگی خانواده با دانشگاه است. انگیزش دانشجو زمانی پایدارتر می‌شود که پیام‌های تربیتی و انتظارات خانواده با اصول آموزشی دانشگاه تعارض جدی نداشته باشد. ارتباط مناسب با مشاوران و استفاده از خدمات دانشگاهی می‌تواند به خانواده کمک کند مشکلات تحصیلی و روان‌شناختی دانشجو را بهتر بشناسد. البته این ارتباط باید با حفظ حریم خصوصی و استقلال دانشجو انجام شود و هدف آن حمایت از او باشد، نه نظارت مداوم بر عملکردش. بر اساس این الگو، حمایت خانوادگی از طریق سه سازوکار اصلی بر انگیزش یادگیری اثر می‌گذارد: کاهش فشار و اضطراب، افزایش خودکارآمدی و تقویت احساس مالکیت نسبت به اهداف تحصیلی. نتیجه نهایی این فرایند، افزایش انگیزش درونی، یادگیری خودراهبر، مشارکت فعال در فعالیت‌های دانشگاهی، پایداری در برابر شکست و بهبود عملکرد تحصیلی است. در مقابل، کنترل شدید، مقایسه، تهدید، سرزنش و تحمیل اهداف می‌تواند همین فرایند را مختل کرده و به اضطراب، بی‌علاقگی، اهمال‌کاری و وابستگی منجر شود. در مجموع، الگوی پیشنهادی بر این اصل استوار است که خانواده زمانی بیشترین نقش را در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی ایفا می‌کند که میان حمایت عاطفی، احترام به استقلال، تقویت شایستگی و تأمین امکانات تعادل برقرار سازد. هدف خانواده نباید صرفاً کسب نمره بالاتر باشد، بلکه باید پرورش دانشجویی مسئول، خودتنظیم، تاب‌آور و علاقه‌مند به یادگیری باشد.



شکل ۱. الگوی پیشنهادی چندسطحی نقش و کارکردهای خانواده در تقویت انگیزش یادگیری پایدار دانشجویان کارشناسی

این الگو نشان دهنده فرایند اثرگذاری ابعاد پنج گانه حمایت های خانوادگی (شامل: حمایت عاطفی و ارتباط سازنده، حمایت استقلال بخش و پرهیز از کنترلگری، تقویت شایستگی و خودکارآمدی، حمایت های مادی و تسهیلگری محیطی و پیوند متوازن خانواده با نهاد دانشگاه) بر انگیزش تحصیلی دانشجویان است. این دروندادهای خانوادگی با عبور از فیلتر سازوکارهای روان شناختی میانجی (کاهش اضطراب ارزیابی، ارتقای باورهای خودکارآمدی و تثبیت حس مالکیت بر یادگیری)، به شکل گیری انگیزش درونی و خودتعیین یافته منجر می شوند. در نتیجه، این فرایند به بروندهای رفتاری و آکادمیک مطلوب شامل یادگیری خودراهبر، مشارکت فعال در محیط دانشگاه، پایداری در برابر چالش ها و بهبود عملکرد تحصیلی ختم می گردد.

نتیجه گیری

مرور حاضر با هدف تبیین نقش خانواده در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی انجام شد. بررسی و سنتز مطالعات نشان داد که خانواده همچنان یکی از مهم ترین بسترهای اجتماعی و روان شناختی مؤثر بر شکل گیری، تداوم و جهت گیری انگیزش تحصیلی دانشجویان است؛ با این حال، اثر خانواده صرفاً به حضور فیزیکی، تأمین هزینه های تحصیل یا پیگیری نمرات محدود نمی شود. آنچه اهمیت اساسی دارد، کیفیت حمایت، نوع ارتباط، میزان احترام به استقلال دانشجو و شیوه مواجهه خانواده با موفقیت ها و شکست های تحصیلی است. خانواده می تواند با ایجاد امنیت عاطفی و فراهم کردن

زمینه رشد خودکارآمدی، دانشجو را به یادگیری عمیق، مشارکت فعال و تلاش مستمر سوق دهد؛ اما در صورت تبدیل حمایت به کنترل، مقایسه و فشار روانی، همین رابطه ممکن است به کاهش انگیزش درونی و افزایش اضطراب تحصیلی منجر شود.

یافته های این مرور نشان داد که حمایت خانوادگی پدیده ای چندبعدی است و ابعاد عاطفی، استقلال بخش، اطلاعاتی، ابزاری و محیطی آن از مسیرهای متفاوتی بر انگیزش یادگیری اثر می گذارند. حمایت عاطفی با ایجاد احساس تعلق، پذیرش و امنیت روانی، زمینه لازم برای مواجهه سازنده دانشجو با دشواری های تحصیلی را فراهم می کند. حمایت استقلال بخش نیز با واگذاری مسئولیت، احترام به انتخاب های فردی و پرهیز از مداخله افراطی، احساس مالکیت دانشجو نسبت به اهداف تحصیلی را تقویت می نماید. حمایت اطلاعاتی و مشاوره ای به دانشجو در شناخت مسیر تحصیلی و شغلی کمک می کند و حمایت ابزاری و محیطی با کاهش فشارهای مادی و روزمره، فرصت تمرکز بر فعالیت های یادگیری را افزایش می دهد. بنابراین، هیچ یک از این ابعاد به تنهایی برای ایجاد انگیزش پایدار کافی نیست و اثربخشی خانواده به تعامل و توازن میان آن ها وابسته است. نتایج همچنین نشان داد که رابطه میان حمایت خانوادگی و انگیزش یادگیری غالباً از طریق متغیرهای روان شناختی میانجی شکل می گیرد. خودکارآمدی تحصیلی، یادگیری خودراهبر، تاب آوری، خودتنظیمی و احساس تعلق به محیط دانشگاه، مهم ترین سازوکارهایی هستند که حمایت خانواده را به رفتارهای واقعی یادگیری تبدیل می کنند. دانشجویی که از سوی خانواده تشویق می شود، اما هم زمان فرصت تصمیم گیری و تجربه مسئولیت را نیز دارد، احتمال بیشتری دارد که اهداف تحصیلی خود را درونی کند، برای آن ها برنامه ریزی نماید و در برابر شکست های موقت پایداری نشان دهد. بر این اساس، حمایت مطلوب خانواده حمایتی نیست که همه موانع را از مسیر دانشجو حذف کند، بلکه حمایتی است که توانایی او را برای شناخت، مدیریت و پشت سر گذاشتن موانع افزایش دهد. همچنین، تحلیل مطالعات نشان داد که میان حمایت استقلال بخش و کنترل روان شناختی تفاوتی بنیادین وجود دارد. پیگیری وضعیت تحصیلی دانشجو هنگامی سازنده است که با گفت و گو، اعتماد و احترام همراه باشد؛ اما زمانی که با تهدید، سرزنش، تحمیل رشته یا شغل، مقایسه با دیگران و مشروط کردن محبت والدین به عملکرد تحصیلی همراه شود، پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت. کنترل روان شناختی ممکن است در کوتاه مدت به افزایش تلاش ظاهری منجر شود، اما در بلندمدت انگیزش دانشجو را شکننده کرده و احتمال فرسودگی، اهمال کاری و بی علاقه گی به یادگیری را افزایش می دهد.

بر مبنای الگوی پیشنهادی، تقویت انگیزش یادگیری نیازمند هماهنگی میان خانواده، دانشگاه، استادان و شبکه همسالان است. خانواده نقش تأمین کننده امنیت و حمایت اولیه را بر عهده دارد، دانشگاه و استادان فرصت رشد علمی و حرفه ای را فراهم می کنند و همسالان زمینه تعامل، مشارکت و یادگیری اجتماعی را گسترش می دهند. از این رو، برنامه های ارتقای انگیزش تحصیلی در دانشگاه ها بهتر است تنها بر دانشجو متمرکز نباشند و آموزش خانواده ها درباره ارتباط مؤثر، حمایت استقلال بخش، مدیریت انتظارات و شناخت نشانه های فشار تحصیلی را نیز دربرگیرند. در مجموع، خانواده زمانی بیشترین نقش را در تقویت انگیزش یادگیری دانشجویان کارشناسی ایفا می کند که از الگوی «کنترل عملکرد» به سوی «تسهیل رشد» حرکت نماید. هدف اصلی حمایت خانوادگی نباید صرفاً کسب نمره یا موفقیت کوتاه مدت باشد، بلکه باید پرورش دانشجویی خودمختار، خودکارآمد، تاب آور و علاقه مند به یادگیری مادام العمر باشد. بر این اساس، انگیزش تحصیلی پایدار حاصل هم افزایی امنیت عاطفی، احترام به استقلال، تقویت شایستگی، حمایت محیطی و ارتباط سازنده میان خانواده و دانشگاه است.

منابع

- اعتمادی، عذرا، سعادتی. (۱۳۹۴). نقش سلامت خانواده و سبک های دلبستگی در پیش بینی خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان. دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۸(۴)، ۱۹۵-۲۰۱.
- مهدیار حقیقی، ساغر، واعظ زاده اسدی، واعظ زاده اسدی، محمدی، آیین، کاظمی. (۱۴۰۵). نقش یادگیری خودراهبر در ارتقای انگیزه تحصیلی دانشجویان آموزش پزشکی مجازی: مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی تهران. مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۱۱(۵۹)، ۲۹۶-۳۰۱.
- حقانی، مجیدی هتکه لویی، فلاح. (۱۴۰۴). سنجش اثربخشی آموزش سازنده گرایی بر انگیزه تحصیلی دانشجویان رشته ی معماری. پژوهش های معماری نوین، ۵(۳)، ۷۱-۸۲.
- فخاریان، جمیله، یعقوبی، ضرغام حاجبی، محقق. (۱۳۹۸). تدوین مدل علی سرزندگی تحصیلی بر اساس جو عاطفی خانواده، محیط یادگیری سازنده گرای اجتماعی و درگیری تحصیلی با میانجی گری خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه. تدریس پژوهی، ۷(۳)، ۲۸-۱.
- عینی پور، حبیب زاده، اصحاب، ابراهیمی قوام، صغری. (۱۴۰۰). الگوی تاثیر عوامل محیطی-اجتماعی بر چرخه انگیزش-یادگیری مادام العمر دانشجویان پلیس. روانشناسی تربیتی، ۶۱(۱۷)، ۴۱-۶۰.
- موسوی، سیدصدرالدین، درودی. (۱۳۹۲). تربیت شهروندی دانشجو در بستر تعامل خانواده و دانشگاه. مهندسی فرهنگی، ۷۳(۶)، ۹۹-۱۱۸.
- مهسا کامکار، حسین زارع، خدیجه ابوالمعالی الحسینی، علی اکبر شریفی. (۱۴۰۴). اثربخشی بسته آموزشی خانواده محور بر انگیزه تحصیلی و کنترل حواس پرتی در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری. فصلنامه روانشناسی تجربی و شناختی، ۱-۱۹.
- بمبئی رو، زارعی، امیریان زاده، شهامت. (۱۳۹۹). تبیین نگرش اساتید در اجرای منتورینگ دانشجویی در حوزه آموزش علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۴(۶)، ۵۰-۵۹.
- لطفی جلال آبادی، نامدار، فریدپور. (۱۳۹۹). الگوی پیشرفت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه های سازمانی (مورد مطالعه: یک دانشگاه نظامی). مدیریت نظامی، ۸۰(۲۰)، ۸۹-۱۱۶.
- Descals-Tomás, A., Rocabert-Beut, E., Abellán-Roselló, L., Gómez-Artiga, A., Doménech-Betoret, F. (۲۰۲۱). Influence of teacher and family support on university student motivation and engagement. International journal of environmental research and public health, ۱۸(۵), ۲۶۰۶.
- Hamjah, S. H., Ismail, Z., Rasit, R. M., Rozali, E. A. (۲۰۱۱). Methods of increasing learning motivation among students. Procedia-Social and Behavioral Sciences, ۱۸, ۱۳۸-۱۴۷.
- Sutedjo, J. J., Kristanto, B. R. D. (۲۰۲۴). Family communication patterns in enhancing learning motivation and academic achievement among students of Ciputra University Surabaya. Eduvest-Journal of Universal Studies, ۴(۳), ۱۴۴۳-۱۴۶۳.
- Marley, S. C., Wilcox, M. J. (۲۰۲۲). Do family and peer academic social supports predict academic motivations and achievement of first-year college students?. Journal of Applied Research in Higher Education, ۱۴(۳), ۹۰۸-۹۷۳.

- Lam, N. (۲۰۱۹). Enhancing students' learning motivation for better academic performance: An empirical case in Dong Nai Province, Vietnam. *International Journal of advanced and applied sciences*.
- Ahmad, F., Saguni, F., Rustina, R. (۲۰۱۹). The Role of Teachers and Families in Improving Motivation and Learning Outcomes of Students. *International Journal of Contemporary Islamic Education*, ۱(۱), ۸۶-۱۰۲.